

1-Review

Context

بہت دیشب خوش گذشت، پشیت نبودم؟

Did you have a good time last night, I wasn't with you?

دیشب با کی بودی؟ بہت زنگ زدم.

Who were you with last night? I called you.

دیشب با پدرت صحبت کردی؟

Did you speak with your father last night?

دہ بار باہاش حرف زدم، جوابم رو نداد.

I spoke with him 10 times; he didn't answer me.

چہ مشکلاتی در سفرت داشتی؟

What kind of problems did you have on your journey?

مشکل جدی نداشتم، یسری مشکلات با ریسم داشتم.

I didn't have any serious problems; I had some problems with my boss.

جات خالی دیشب، کیف کردم.

I thought of you last night, I had a whale of a time.

با مواد غذایی توی سفرتون مشکلی داشتید؟

Did you have any problems with food on your journey?

توی این زمینه مشکلی نداشتم

I didn't have any problems in this respect?

در مورد چی داری صحبت می کنی؟

What are you talking about?

مادرت داره در مورد کسی حرف می زنه؟

Is your mother talking about anyone?

کی رو هفته پیش دعوت کردی؟

Who did you invite last week?

قوم و خویشی اینجا ندارم. هفته پیش کسی رو دعوت نکردم.

I haven't got any relatives. I didn't invite anyone last week.

مادرت می دونه دوستش دارم؟

Does your mother know I love her?

what kind of problems vs what kind of problem

سمت راستی: چه مشکلی داری؟ منظور یک مشکل خاص است
سمت چپی: چه نوع مشکلاتی داری؟ منظور چند مشکل مختلف است

همه چی رو بهش گفتم اما جواب منفی بهم داد.

I told her everything but she answered me negative.

چه مشکلی همکاری در این زمینه داشت قبل از بازنشستگی؟

What kind of problem did your collage have in this respect before retirement?

تا اونجایی که می دونم، مشکل جدی نداره اما می خواد این کاررو کنار بذاره، باهاش صحبت کردم.

As far as I know, he hasn't got any serious problem but he is gonna leave this job, I spoke with him.

چرا به سی دی هات گوش نمی کنی؟

Why don't you listen to your CDs?

به سی دی 10 مرتبه هفته پیش گوش کردم، معلمم ازم نپرسید.

I listened to my CD 10 times last week, my teacher didn't ask me.

چرا پدرت یه دوش نمی گیره؟

Why doesn't your father have a shower?

قبل از شام یه دوش گرفت.

He had a shower before dinner.

شب گذشته تصادف داشتی؟ تو که رانندگی بلدی.

Did you have an accident last night? You can drive.

قبل از میدان تصادف داشتیم.

We had an accident before the square.

شروع کنیم؟ شروع کنیم، مشکلی ندارید؟ مشکلی نداریم، شروع کنیم.

Shall we start? Let's start, have you got any problem? We haven't got any problem, let's start.

```
answer /      ns /****  
negative / n      t  v/
```

2-Did you finish those letters conversation

Context

نامه ها رو تموم کردی؟

Did you finish those letters?

کی نامه ها رو تموم کردی؟

When did you finish the letters?

چرا نامه ها رو دیر تموم کردی؟ نیازشون داشتم.

Why did you finish the letters so late? I **needed** them.

چند وقت پیش نامه ها رو تموم کردی؟

How long ago did you finish the letters?

خدا رو شکر، نهایتاً پروژه رو دیروز تموم کردم.

Thank God, finally I finished the project yesterday

thanks to ...
به لطف خدا thanks to god

پدرم نامه ها رو نیاز داره، چرا تمومشون نکردی؟

My father needs these letters, why **didn't** you finish them?

می مونم توی اداره و تمومشون می کنم.

I am staying **in** the office and finishing them.

چرا اینجوری باهام صحبت می کنی؟

Why are you talking to me **like this?**

تا دیر وقت توی اداره موندم و **اضافه کاری کردم** و نامه ها رو تموم کردم.

I stayed in the office so late and **worked over time** and finished the letters.

نامه ها رو تموم کردی؟

Did you finish the letters?

پروژه رو هفته پیش تموم کردی؟

Did you finish the project last week?

خیلی مشکل داشتم، هزینه زیادی بابت این پروژه صرف کردم و هفته پیش تمومش کردم.

I had a lot of problems; I **paid through the nose** for this project and finished it last week.

spent a lot of money

برات تایپ و امضاشون کردم.

I typed them and signed them for you.

نامه ها رو شب گذشته تایپ کردی؟

Did you type the letters last night?

نامه ها رو شب گذشته امضا کردی؟

Did you sign the letters last night?

چرا نامه ها رو بدون اجازه من امضا کردی؟

Why did you sign the letters without my permission?

چرا نامه ها رو بدون اجازه من تایپ کردی؟

Why did you type the letters **without my permission?**

کی نامه ها رو تایپ کرد؟

کی فلان کارو کرده؟
کی فلان کارو میکنه؟

Who typed the letters?

کی نامه ها رو امضا کرد؟

Who signed the letters?

برادرت کی رو دوست داره؟

Who does your brother like?

مامانت کی رو دوست داره؟

Who does your mother like?

بچه هات کی رو دوست دارند؟

Who do your children like?

پسرت کی رو دوست داره؟

who/what

وات همان هو است فقط برای اشیا
هو همان وات است برای اشخاص

تو کی رو دوست داری؟

who do you like?

کی تو رو دوست داره؟

who does like you? این غلطه

who likes you? این درسته

در موسسات ایران به اشتباه برای این ساختار از

whom استفاده میکنند در حالیکه این کلمه سالهاست در

انگلیسی منسوخ شده

تو کی رو دوست داشتی؟

who did you like?

کی تو رو دوست داشت؟

who did like you? جمله غلط

who liked you? جمله درست

دلیل:

Who does your son like?

کی رو دوست داری؟

Who do you like?

کی تو رو دوست داره؟

Who likes you?

کی مامانت رو دوست داره؟

Who likes your mother?

با کی تماس گرفتی دیشب؟

Who did you call last night?

کی باهات دیشب تماس گرفت؟

Who called you last night?

کی رو دعوت کردی؟

Who did you invite?

کی دیشب دعوت کرد؟

Who invited you last night?

کی نامه ها رو تایپ کرد؟

Who typed the letters?

کی نامه ها رو امضا کرد؟

Who signed the letters?

کی نامه ها رو از طرف **رئیس** امضا کرد؟

Who signed the letters **on behalf of** the **chairman**?

کی نامه ها رو از طرف **مدیر عامل** امضا کرد؟

Who signed the letters on behalf of the **manager**?

سرم خیلی شلوغه، می شه نامه ها رو از طرف رئیس امضا کنی؟

I am fully tied up; could you sign the letters on behalf of the chairman?

رئیس تو جلسه هست، نامه ها رو از طرف پدرم امضا کنم؟

My boss is at the meeting, shall I sign the letters on behalf of my father?

امشب دیر بر می گردم، می شه خانواده ات رواز طرف مامانم دعوت کنی؟

I am coming back so late tonight, could you invite your family on behalf of my mother?

نگران نباش، نامه ها رو تایپ کردم و امضاشون کردم.

Don't worry, I typed the letters and signed them.

نامه ها رو فتوکپی کردی؟

Did you **photocopy** the letters?

چندتا کاغذ کپی می کردی؟

How many papers did you copy?

چرا این نامه ها رو کپی نکردی، اصلش رو ندارم.

Why didn't you copy these letters, I haven't got the original.

نمی تونم باور کنم، چطوری این نامه ها رو کپی کردی، **کار حضرت فیله**.

هرکول قهرمان یونانی

I can't believe it, how did you copy these letters, **it's a Herculeian's task**

چطور این همه نامه رو بنویسم؟

How shall I **write** all these letters?

نگران نباش، سریع بهش عادت می کنی.

گرامر عادت کردن در دوره های پیشرفته درس داده میشود

Don't worry, you **get used to** it early.

نگران نباش، سریع به کارت اخت می شی.

عادت کردن به سرعت به چیزی

Don't worry; you are **taking a shine to** your job.

به این کشور سال گذشته سریع اخت شدی؟

Did you take a shine to this country last year?

کپی شون کردم و پستشون کردم.

I copied them and posted them.

نامه ها رو پست کردی؟ برادرم منتظر جوابت هست؟

Did you post the letters? My brother is waiting for your reply.

چند وقت پیش نامه ها رو پست کردی؟ به دستم نرسیده.

How long ago did you post the letters? I didn't receive them.

نامه ها رو پست نکردم، می رم اداره و پستشون می کنم.

I didn't post the letters last night; I am going to the office and posting them.

چه موقع پدرت تشریف آورد؟ ندیدمش.

When did your father arrive? I didn't see him.

چند وقت پیش اینجا تشریف آوردی؟ شب گذشته بهت زنگ زدم، جوابم رو ندادی.

How long ago did you arrive here? I called you last night, you didn't answer me.

چرا اینقدر دیر رسیدی؟ منتظرتم.

Why did you arrive so late? I am waiting for you.

پدرم شب گذشته دیر رسید؛ امشب زود می رسه.

My father arrived here late last night; he is coming early tonight.

چرا نیومد اینجا، من هفته پیش دعوتش کردم. پدرت

Why didn't your father arrive here? I invited him last week.

چه مدت طول می کشه اینجا برسی؟

How long does it take you to arrive here?

آقای جکسون تشریف آورد؟

Did Mr. Jackson arrive?

چه ساعتی تشریف آورد؟

What time did he arrive?

پدرت کی تشریف می آره؟ می خوام یه سر بهشون بزنم.

When is your father arriving here? I am gonna visit him.

اون نموند.

He didn't stay.

چرا نمی مونی اینجا؟ می خوام شام بپزم.

Why don't you stay here? I am gonna cook dinner.

چرا دیشب توی مهمونی نموندی؟ ما خیلی بهمون خوش گذشت، جات خالی بود.

Why didn't you stay at the party last night, we had a very good time, we thought of you.

چرا پدرت دیشب توی مهمونی نموند؟ تا اونجایی که یادم می آید شام هم نخورد.

Why didn't your father stay at the party last night? As far as I remember he didn't have dinner.

بدلیل بارندگی، بازی بین بارسلونا و ریال مادرید کنسل شد.

Because of rainfall, the competition between Barcelona and Real Madrid was canceled.

بخاطر پدرت

For your father's sake

because of به دلیل
someone's sake به خاطر
فرقش اینه که اولی به یک چیز اشاره داره
دومی به یک شخص

پرکاربرد در این قسمت
جمله سوالی منفی در زمان گذشته ساده

بخاطر مادرت

For your mother's sake

homeland series
for god's sake
got Kevin's sake

بخاطر من

For my sake

بخاطر تو

For your sake

این بار می بخشمت

I am forgiving you this time.

با تو مشکلی ندارم بخاطر بابات این بار می بخشمت.

I haven't got any problems with you; I am forgiving you for your father's sake this time.

چرا دیشب توی مهمونی نموندی؟ من بخاطر تو برگشتم.

Why didn't you stay at the party last night? I came back for your sake.

نگرانت بودم. بخاطر تو دیشب مهمونی رو کنسل کردم.

I **was** worried about you. I canceled the party for your sake **last night**.

اینجا نمود، وقت نداشت.

He didn't stay here; he didn't have time.

وقت نداره.

He hasn't got time.

وقت ندارم.

I haven't got time.

وقت نداشتم.

I didn't have time.

وقت نداشتم بهت زنگ بزنم.

I didn't have time to call you.

وقت نداشتم شام بپزم، شام رو بیرون بخوریم؟

I didn't have time to cook dinner, shall we eat dinner out?

وقت نداشتم مامانت رو ببرم دکتر.

I didn't have time to take your mother to a doctor.

وقت نداشتم یسری به مامانت بزنم.

I didn't have time to visit your mother.

خانمم وقت کافی نداشت لباس هام رو اتو کنه، چی بپوشم؟

My wife didn't have time to iron my clothes, what shall I wear?

وقت ندارم نامه هات رو ترجمه کنم.

I haven't got time to translate your letters.

چی می خواست؟

What did he want?

می خواهم. (آنی)

I would like.

می خواهم. (آنی)

I want.

می خواهم. (بعداً)

I am gonna

خواستم

I wanted

خواستم

I was gonna

به نامزدت دیشب زنگ زدی؟ اون خواست باهات صحبت کنه.

Did you call your fiancée last night? She wanted to speak with you.

دیشب به نامزدم زنگ زدم اما جوابم رو نداد.

I called my fiancée last night but she didn't answer me.

چی خواست؟

What did she want?

رشوه خواست.

pay want

زیرمیزی یا رشوه اسم

She wanted a **bribe** فعل تصفیّه حساب کردن

نپرسیدم.

I didn't ask.

اسمش رو پرسیدی؟ شمارش رو ندارم.

Did you ask his name? I haven't got his number.

چرا اسمشو ازش نپرسیدی؟

Why didn't you ask his name?

اسمش رو نپرسیدم اما امشب بهش سر می زنم و ازش می پرسم.

I didn't ask his name last night but I am visiting him tonight and asking his name.

به خانم اسمیت زنگ زدی؟

Did you call Mrs. Smith?

چندبار به خانم اسمیت دیشب زنگ زدی؟

How many times did you call Mrs. Smith last night?

توی اداره نبود.

She wasn't in the office.

و یه میز دونفره توی ماریو

And a table for 2 at the Mario's

میز توی رستوران ماریو رزرو کردی؟

Did you reserve a table at Mario's restaurant?

یه میز توی هتل شرایتون رزرو کردی؟ مهمون دارم.

Did you reserve a table at the Sheraton hotel? I have got some guests.

چرا توی هتل شرایتون میز رزرو کردی؟ اونجا خیلی شلوغه.

Why did you reserve a table at the Sheraton hotel? It is very crowded.

چند وقت پیش اینجا رو رزرو کردی؟

How long ago did you reserve here?

اسمت رو توی لیستم ندارم.

I haven't got your name in my list.

یه اتاق برات رزرو کردم.

I reserved a room for you.

برات اتاق رزرو کردم.

I booked you a room.

reserve something for somebody
book somebody something

I reserved a room for you
I booked you a room

یه میز برای مادرت رزرو کردم.

I reserved a table for your mother.

برای مادرت یه میز رزرو کردم.

I booked your mother a table.

یه میز دونفره ساعت ۸ رزرو کردم.

I reserved a table for 2 at 8 o'clock.

یه میز برای دونفر

A table for 2 people

یه میز چهارنفره

A table for four

چرا یه میز هشت نفره رزرو کردی؟ ما که ۴ نفر هستیم.

Why did you reserve a table for eight? We are 4 people.

لولو تلفن کرد؟

Did Lolo telephone?

کسی بهم تلفن کرد؟

Did anybody call me?

ی نفر بهم زنگ زد ولی حرف نزد.

Someone called me but he didn't speak.

فکر کنم مزاحم تلفنی بود.

I think he was a crank caller.

ی نفر بهم زنگ زد ولی فوت کرد توی تلفن.

Someone called me but he blown on phone.

کی بهت زنگ زد؟

Who called you last night?

به کی دیشب زنگ زدی؟

Who did you call last night?

کسی زنگ زد؟

Did anybody call?

Vocabulary

هزینه صرف کردن

Spend

زیاد هزینه کردن

Pay through the nose

امضا کردن

Sign

امضا

Signature

اجازه دادن

Permit

اجازه

Permission

رئیس

Chairman

مدیر عامل

Manager

از طرف

On behalf of

وظیفه

Task

عادت کردن

on behalf of /on b h f v/

Get used to

سریع اخت شدن/سریع عادت کردن

Take a shine to some thing

بدلیل

Because of

بخاطر

Sake

بخشیدن

Forgive

رشوه

Bribe

تسویه حساب کردن

Pay off

رشوه

Pay-off

شلوغ

Crowded

رزرو چیزی برای کسی

Reserve something for some body

برای کسی رزرو کردن

Book some body something

مزاحمت کردن

Disturb

کسی که تلفن می زنه

Caller

مزاحم تلفنی

Crank caller

دوش گرفتن

Have a shower

اصلاح کردن

have a shave

حمام گرفتن

have a bath

تصادف کردن

have an accident

خوش گذشتن

have a good time

شستشو کردن

have a wash

Conversation text

A: Good afternoon Mr. Smith

B: Good afternoon Mrs. Whild

A: Did you finish those letters?

B: Yes sir, I typed them and singed them for you.

A: Did you photocopy them?

B: Yes sir, I photocopied them and posted them.

A: Did Mr. Jackson arrive?

B: Yes, sir.

A: What time did he arrive?

B: About 2 o'clock sir, but he didn't stay, he didn't have time.

A: What did he want?

B: I didn't ask sir.

A: Did you telephone Mrs. Smith?

B: Yes, I did, but she wasn't in.

A: Did you reserve the table at Mario's restaurant for tonight?

B: Yes, sir. I reserved the table for 2 at 8 o'clock.

A: Good. Did Lolo telephone?

B: Yes, sir.

@freezaban1

3-I was watching TV when my mother arrived

Context

دیشب ساعت 10 داشتم تلویزیون می دیدم.

I was watching T.V at 10 o'clock last night.

دیروز ساعت 4 داشتم به موزیک گوش می کردم.

I was listening to the music at 4 o'clock yesterday.

دیشب ساعت 10 داشتم توی کلاس درس می دادم.

I was teaching in the class at 10 o'clock last night.

داشتم به موزیک گوش می کردم.

I was listening to music.

داشتم توی مهمونی می رقصیدم.

I was dancing at the party.

داشتم بشکن می زدم.

I was snapping.

داشتم دست می زدم.

I was clapping.

داشتم بطری رو تکون می دادم.

I was **shaking** the bottle.

داشتم لباسهام رو عوض می کردم.

I was changing my clothes.

داشتم بخاطر تو گریه می کردم.

I was crying for your sake.

داشتی گریه می کردی؟

Were you crying?

چرا داشتی گریه می کردی؟

گذشته استمراری

در گذشته سر به تایم خاصی داشتی یه کاری میکردی

الزاما نیاز نیست اون تایم خاص رو به زبون بیاری بلکه اگه شنونده خودش واقفه که تایم خاص کی بوده میتونی حذفش کنی

گذشته استمراری: سر یک تایم خاصی در گذشته مشغول انجامش بودی
گذشته ساده: سر یک تایم خاصی در گذشته کار رو انجام و اتمام رساندی

محرك این زمان: مشتقات داشتن است
داشتم/داشتی/داشت

عموما استفاده این زمان برای تعریف داستان یا بیان اتفاقات است به این معنا
که این زمان معمولا به تنهایی نمیاد و با زمانهای دیگری ترکیب میشه

کاملاً واضح که یکی از کاربردهای
قوی این زمان، تعریف خاطره است
جملات زیر را با حال و هوای تعریف
خاطره بخون

Why were you crying?

مامانت داشت تقلب می کرد؟

Was your mother **cheating**?

چرا مامانت داشت تقلب می کرد؟

Why was your mother cheating?

داشتم خواب می دیدم.

I was **dreaming**.

کابوس های کوچولو little nightmares
اسم یک بازی کامپیوتری است

داشتم کابوس می دیدم.

I was **dreaming a nightmare**.

داداشت داشت با تو صحبت می کرد؟

Was your brother speaking with you?

داداشت داشت گریه می کرد؟

Was your brother crying?

بچه هات داشتند شام می خوردند؟

Were your children eating dinner?

داشتم کارت پروازم رو می گرفتم.

I was getting my **boarding pass**.

داشتم کارت پرواز رو دریافت می کردم.

I was receiving my boarding pass.

داشتی چیکار می کردی؟

What were you doing?

مامانت داشت چیکار می کردی؟

What was your mother doing?

داشتی چیکار می کردی؟

What were you doing?

می خوام استیک سفارش بدم.

I would like to order a stake.

چیزی برای خوردن داری؟

Have you got anything to eat?

چقدر طول کشید که برسی اینجا؟

How long did it take you to arrive here?

وقت آزاد که شام رو باهم بخوریم؟

Are you free to eat dinner together?

پیتر پسری هست که می شناسمش.

Peter is the boy who I know him.

دوشنبه گذشتی روزیه که دعوت کردم.

Last Monday was the day when I invited you.

اون حلقه ای که پارسال برات خریدم.

That is the ring what I bought it last year.

پاریس شهری که دوستش دارم.

Paris is a city where I like it.

داشتم تلویزیون می دیدم مامانت رسید.

I was watching T.V when your mother arrived.

فکر می کنم که

I think that

می دونم که

I know that

داشتم تلویزیون می دیدم ، سیگار می کشیدم که مامانت درب رو باز کرد.

I was watching T.V, smoking cigarette when your mother opened the door.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، با بابام صحبت می کردم که برادرت رو دیدم.

تدریس مختصر که موصولی

این مبحث در دوره پیشرفته کامل درس داده میشود

عموما در ایران به اشتباه گفته میشود که در همه جا میتوانید از that استفاده کنید که غلط است

پلی برای وصل کردن دو فعل به هم است to

who, when, what, that,

که برای وصل کردن 2 جمله به هم

انتخاب یکی از اینها بستگی به جمله پایه دارد (جمله قبل از که)

when اگر جمله پایه درباره زمان بود

which or what اگر جمله پایه درباره شی صحبت میکند

who اگر جمله پایه درباره شخص صحبت میکند

where اگر جمله پایه درباره مکان صحبت کند

that اگر جمله پایه راجب هیچ یک از موارد بالا صحبت نمیکرد

I think that ... I know that

I was **walking along** the street, speaking with my father when your brother saw me.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، به ویتترین مغازه ها نگاه می کردم که یهویی دوستم رو دیدم.

I was walking along the street, looking at the shop windows when **suddenly** I saw my friend.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، به ویتترین مغازه ها نگاه می کردم، با خودم فکر می کردم که یهویی صدای تصادف رو شنیدم.

I was walking along the street, looking at the shop windows, **thinking to myself** when suddenly I heard an accident.

داشتم توی خیابون راه می رفتم، به ویتترین مغازه ها نگاه می کردم که یهویی صدای انفجار رو شنیدم.

I was walking along the street, looking at the shop window when suddenly I heard a **blast**. explosion میتونی اینو هم بگی

داشتم توی خیابون راه می رفتم، سیگار می کشیدم که یهویی بابات رو غرق خون دیدم.

I was walking along the street, smoking the cigarette when suddenly I saw your father **in the pool of blood**.

بابام محکم زد توی سرم.

انواع زدن

My father **hit me on the head**.

ی نفر زد رو شونه ام.

Someone tapped me on the shoulder.

داشتم با خانمم دعوا می کردم که یهویی یه نفر زد پشتم.

I was quarrelling with my wife when suddenly someone hit me on the back.

ایستاده بودم دم در داشتم سیگار می کشیدم که ی دفعه پدرم صدام کرد.

I was standing at the door, smoking cigarette when suddenly my father called me.

توی کلاس نشسته بودم، داشتم تقلب می کردم که یهویی معلمم زد رو شونه ام.

اون افعال ایستایی که گفتیم مشتقات داشتن را در حال استمراری نمیگیرند همان ها مشتقات داشتن را در گذشته استمراری نیز نمیگیرند ولی مفهوم گذشته استمراری توشون مشهوده یعنی در گذشته در یک بازه زمانی انجام شدن نه در یک نقطه زمانی خیلیا اینها رو چون بود داره با گذشته بعید اشتباه میگیرن و به صورت گذشته بعید میگن که اشتباهه

I was sitting in the class, cheating when suddenly my teacher tapped me on the shoulder.

کنار ساحل دراز کشیده بودم، داشتم زاغ دخترها رو می زدم که یهو خانمم زد توی سرم.

I was lying on the beach, staring at the girls in the nude when suddenly my wife hit me on head.

Vocabulary

طوطی وار

Fashion parrot

منفجر کردن

Explode

انفجار

Explosion

انفجار

Blast

زدن محکم

Hit

مشت زدن

Bit

زدن روی سطحی مثل درب

Knock

زدن تقه ای (رو دوش ی نفر می زنیم، پس کله کسی می زنیم)

Tap

دعوا کردن

Quarrel

جنگ کردن

Fight

این افعال همگی یک ویژگی مشترک دارند
فعل + شخص مورد ضربه + عضو مورد ضربه
someone hit me on the back
someone bit me on the back
someone tap me on the back
i knocked the door

خیره شدن

Stare at

چپ چپ نگاه کردن

Glare at

Proverb

پیاده شو باهم بریم.

Come off your high horse.